

جغرافیا و توسعه شماره ۳۴ بهار ۱۳۹۳

وصول مقاله: ۱۳۹۰/۶/۲۷

تأیید نهایی: ۱۳۹۱/۴/۲۶

صفحات: ۱۶۷-۱۸۱

واکاوی چالش‌های مدیریت روستایی با رویکرد کیفی تئوری بنیانی

خدیجه مرادی^۱، دکتر حسین آگهی^۲

چکیده

بر مبنای آمار موجود، استان کرمانشاه به لحاظ تعداد دهیاری‌ها، پس از استان خراسان رضوی، رتبه دوم کشور را به خود اختصاص داده است. این در حالی است که با گذشت ۸ سال از شکل‌گیری این نهاد جدید مدیریتی در روستاهای استان، تاکنون مطالعه‌ای در زمینه بررسی مشکلات و محدودیت‌های این نهاد انجام نشده است.

هدف از انجام پژوهش کیفی حاضر که با بهره‌گیری از روش تئوری بنیانی صورت گرفته، آن است که مشکلات و محدودیت‌های دهیاری‌های دهستان بالادربند شهرستان کرمانشاه را از دیدگاه دهیاران و در قالب یک مدل شناسایی نماید. جامعه‌ی مورد مطالعه، دهیاران دهستان بالادربند شهرستان کرمانشاه بودند که ۱۲ نفر آنان به روش نمونه‌گیری هدفمند مورد مطالعه قرار گرفتند. داده‌های پژوهش با بهره‌گیری از تکنیک مصاحبه نیمه ساختارمند و گروه‌های متمرکز جمع‌آوری و در قالب سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی تحلیل و در قالب ۷ مشکل اصلی طبقه‌بندی گردید.

یافته‌های پژوهش نشان داد، دهیاری‌های مورد مطالعه به ترتیب اهمیت با چالش‌هایی نظیر عدم آگاهی مردم و سازمان‌های محلی از وظایف دهیار، نگرش منفی نسبت به وی، عدم همکاری و حمایت سازمان‌های محلی و دولتی با دهیار، تدوین طرح‌های از بالا به پایین از سوی سازمان‌های اجرایی، ضعف روحیه‌ی همکاری و مشارکت خودجوش در مردم، ضعف جایگاه قانونی دهیار و بالاخره، کمبود تجهیزات و منابع مالی مواجه‌اند. نتایج این مطالعه برنامه‌ریزان توسعه‌ی روستایی استان را در برون‌رفت از مشکلات یادشده و تحقق مدیریت روستایی کارآمد در منطقه یاری خواهد کرد.

کلیدواژه‌ها: مدیریت روستایی، دهیاری، چالش‌ها، رویکرد کیفی، تئوری بنیانی.

۱- کارشناس ارشد آموزشی و دانشجوی دکتری توسعه کشاورزی گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشکده کشاورزی دانشگاه رازی (نویسنده مسؤل) kh.moradi@pgs.razi.ac.ir
۲- دکتری ترویج و آموزش کشاورزی و دانشیار دانشکده کشاورزی، عضو مرکز پژوهشی تحقیقات توسعه اقتصادی - اجتماعی دانشگاه رازی hosseinagahi_raziuniversity@yahoo.com

مقدمه

در انگاره‌ی جدید مدیریت روستایی نقش نهادهای محلی و مشارکت روستاییان مورد تأکید قرار گرفته و از آن به عنوان مهم‌ترین الزامات تحقق توسعه‌ی پایدار روستایی یاد شده است (پاپ‌زن و علی‌بیگی، ۱۳۸۵: ۳۹). در حال حاضر، ساختار مدیریت روستایی کشور از دو بخش شورای اسلامی روستا به‌عنوان نهاد تصمیم‌گیرنده و دهیاری به عنوان نهاد اجرایی تشکیل شده که از استقلال حقوقی و مالی برخوردار می‌باشند. استان کرمانشاه یکی از استان‌هایی است که رویکرد جدید مدیریت روستایی را در قالب تأسیس دهیاری‌ها در ۸۲/۸ درصد روستاهای واجد شرایط، تجربه کرده و به لحاظ تعداد دهیاری‌ها، رتبه‌ی دوم کشور را داراست (دفتر امور روستایی/استانداری کرمانشاه، ۱۳۸۹). اگرچه، این نهاد از بدو تأسیس تاکنون با استفاده از همیاری و مشارکت مردم و کمک‌های دولتی فعالیت‌هایی در استان انجام داده، اما شواهد موجود گویای آن است که در انجام موفقیت‌آمیز وظایف خود با محدودیت‌ها و تنگناهایی مواجه است و مشکلات مدیریتی روستاهای استان همچنان به عنوان یکی از چالش‌های فراروی برنامه‌های توسعه‌ی روستایی مطرح می‌باشد. در پژوهش کیفی حاضر، با بهره‌گیری از روش تئوری بنیانی، چالش‌های فراروی دهیاران دهستان بالادربند شهرستان کرمانشاه در انجام وظایف قانونی به صورتی عمیق و همه‌جانبه و در قالب یک مدل مفهومی استخراج گردید.

پیشینه و مبانی مفهومی

مطالعات انجام شده نشان می‌دهد، معرفی ساختارهای نهادی مدرن بدون توجه به بسترسازی‌های لازم و مغایر با فرهنگ محلی و ساختارهای اجتماعی روستا، موجب توسعه‌نیافتگی گسترده در این مناطق می‌شود (ازکیا و همکاران، ۱۳۸۷: ۵). در مطالعه‌ی عبداللهیان و همکاران (۱۳۸۵)، دربان آستانه (۱۳۸۹) و مهاجری

(۱۳۸۷)، سیاست‌های تمرکزگرایانه‌ی دولت، وابستگی مالی نهادهای محلی و محدودیت‌های قانونی به عنوان محدودیت‌های ساختاری شورای اسلامی شهر و روستا مطرح شده است. نبود چارچوب و معیارهای مشخص در انتخاب اعضای شورا و تناقض‌های قانونی موجود یکی دیگر از چالش‌های پیش‌روی مدیریت روستایی است که بروجردی (۱۳۸۷) به آن اشاره کرده است. چشم‌پوشی نکردن از منافع آبی برای منافع آبی و وابستگی به دولت از جمله ویژگی‌های خرده‌فرهنگ دهقانی در میان اعضای شورای اسلامی شهرستان سبزوار است که حمیدیان و همکاران (۱۳۸۶) از آن به عنوان یکی از چالش‌های مدیریت روستایی یاد کرده‌اند. شهبازی (۱۳۸۹) در بررسی آسیب‌شناسی مدیریت روستایی، خویشاوندگرایی و رابطه‌داری را به عنوان آسیب‌های مهم مدیریت روستایی کشور قلمداد کرده است. وی به زعم عامه، "پارتنری‌بازی" را از جمله محدودیت‌هایی می‌داند که زمینه را برای برقراری "رابطه" "مخل" "ضوابط" فراهم می‌سازد و به مشکلات اجرایی مدیران روستا دامن می‌زند. به گفته معاون امور دهیاری‌های کشور، فقدان ماشین‌آلات و تجهیزات فنی از جمله مشکلات دهیاری‌هاست که موجب کاهش راندمان کاری این نهاد شده است. وی همچنین از مواردی نظیر نپایی نهاد دهیاری، توان مالی ضعیف آن، پایین بودن حجم عملیات اجرایی، عمرانی و خدماتی و به صرفه نبودن تجهیز آن‌ها به طور مستقل، به عنوان مهم‌ترین محدودیت دهیاری‌های کشور یاد کرده است (فراقی، ۱۳۸۹: ۱۲). به عقیده‌ی رضوانی (۱۳۸۸)، از آنجا که نهاد محلی موجودیتی سازمان‌یافته و دارای مشخصات حکومتی است و از استقلال اداری و مالی (و نه سیاسی) برخوردار است، هر عاملی که استقلال آن را خدشه‌دار نماید، موجب دور شدن دهیاری از شخصیت واقعی خود می‌گردد.

وضعیت دهیاری‌های مورد مطالعه

در پژوهش حاضر، دهستان بالادربند از توابع بخش مرکزی شهرستان کرمانشاه به عنوان مورد مطالعه انتخاب شد. این دهستان در ۲۰ کیلومتری شمال غربی این شهرستان واقع شده و با ۵۳ روستا جمعیتی بالغ بر ۱۵۹۹۲ نفر را در خود جای داده است. این دهستان با پتانسیل‌هایی از قبیل ۹۰۰۰ هکتار اراضی آبی، ۱۹۰۰۰ هکتار دیم، ۱۵۰ هکتار باغ، ۱۰ واحد صنعتی مرغداری گوشتی، ۴ واحد مرغداری تخمی و یک واحد جوجه کشی یکی از قطب‌های کشاورزی استان محسوب می‌شود (سالنامه آماری استان کرمانشاه، ۱۳۸۷: ۶۹). به لحاظ امکاناتی نظیر ساختمان دهیاری، ۶ دهیاری فاقد ساختمان دهیاری، یک دهیاری دارای ساختمان استیجاری و در ۵ روستا نیز ساختمان دهیاری احداث شده و یا در دست احداث می‌باشد. از پتانسیل‌های این منطقه می‌توان به وجود چشمه‌های مختلف، سایت گردشگری سراب نیلوفر و وجود معادن متعدد، سنگ، شن و ماسه اشاره نمود. دهیاران دهستان بالادربند از میان ۳۵۱۵ خانوار دهستان، ۲۵۸۵ خانوار و جمعیتی بالغ بر ۱۱۹۱۵ نفر (معادل ۷۴/۵ درصد جمعیت دهستان) را تحت پوشش خدمات خود دارند.

روش تحقیق

در این پژوهش، به منظور ارائه‌ی تصویری عمیق و روشن از چالش‌های فراروی دهیاران دهستان بالادربند شهرستان کرمانشاه در قالب یک مدل، از روش تئوری بنیانی بهره گرفته شد. این روش کیفی، نوعی تحقیق در عرصه و مبتنی بر رویکرد استقرایی^۱ بوده و به صورتی سیستماتیک و در قالب مراحل منظم، پدیده‌ها را در موقعیت طبیعی آن‌ها مورد بررسی قرار می‌دهد (ادیب‌حاج‌باقری و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۳۵). در این روش، قابلیت تعمیم مدنظر نیست، بلکه هدف درک پدیده و ابعاد مختلف آن است (گیدنز، ۱۳۷۶: ۹۸). داده‌ها با

استفاده از مصاحبه نیمه ساختارمند و گروه‌های متمرکز جمع‌آوری گردید. بدین ترتیب، هر یک از دهیاران دهستان بالادربند در جلساتی به طول حداقل یک ساعت و نیم مصاحبه شدند و پس از مصاحبه با ۱۲ نفر از آن‌ها، اشباع تئوریک حاصل گردید. سپس، به منظور افزایش اعتبار داده‌ها با استفاده از تکنیک مثلث‌سازی^۲ (ادیب‌حاج‌باقری و همکاران، ۱۳۸۹: ۵۸)، دو گروه متمرکز ۷ و ۸ نفره تشکیل شد که در آن دهیاران با تسهیل‌گری محققان و در راستای دستیابی به هدف تحقیق، به تبادل نظر در خصوص مشکلات و محدودیت‌های خود پرداختند. سپس، مطالب گردآوری شده حاصل از مصاحبه‌ها و گروه‌های متمرکز، در قالب سه مرحله کدگذاری باز^۳، محوری^۴ و انتخابی^۵ تحلیل شد و مدل چالش‌های دهیاری‌ها استخراج گردید.

یافته‌ها

پس از پیاده‌سازی مطالب جمع‌آوری شده از طریق مصاحبه و گروه‌های متمرکز، در کدگذاری باز با مرور خط به خط داده‌ها، جملات مرتبط با موضوع پژوهش استخراج شد. حاصل این مرحله، شناسایی ۶۴ مفهوم کلیدی در زمینه‌ی مشکلات و محدودیت‌های پیش روی جامعه مورد مطالعه بود. سپس با توجه به ماهیت چالش‌ها و روابط بین آن‌ها، دسته‌بندی مقدماتی صورت گرفت و به هر یک از مشکلات و محدودیت‌های مطرح شده از سوی دهیاران یک کد داده شد؛ به طوری که گویه‌های مرتبط در یک خوشه قرار گرفتند و به هر یک کدهایی از A تا G اختصاص یافت (جدول ۱). در پایان این مرحله، به نظر رسید که این مفاهیم کلیه‌ی مشکلات و محدودیت‌ها را در ابعاد مختلف پوشش داده و نیازی به مراجعه‌ی مکرر به نمونه‌های مورد مطالعه وجود ندارد. به بیان دیگر، اعتبار درونی داده‌ها در این مرحله مورد تأیید قرار گرفت.

2-Triangulation
3-Open coding
4-Axial coding
5-Selective coding

1-Inductive approach

جدول ۱: مفهوم‌سازی داده‌ها (کدگذاری باز)

ردیف	مفاهیم	کد
۱	حقوق پایین	A1
۲	عدم پرداخت حقوق از سال ۸۲ تا ۸۶	A2
۳	کسر حق‌الزحمه مسؤول امور مالی دهیاری‌ها در بخش‌داری از حقوق دهیاران	A3
۴	عدم اطلاع‌رسانی هنگام برگزاری دوره‌های آموزشی دهیاران	B1
۵	کمبود بودجه	A4
۶	عدم پرداخت به موقع بودجه	A5
۷	کمبود تجهیزات و ماشین‌آلات مناسب	A6
۸	عدم اجرای به موقع طرح‌های	C1
۹	عدم توزیع بودجه و اعتبارات بر اساس نیاز روستا	A7
۱۰	عدم انجام مطالعات نیازسنجی در روستا با همکاری مردم و نهادهای محلی	C2
۱۱	عدم آشنایی مردم با وظایف دهیار	D1
۱۲	عدم آشنایی اعضای شورا با وظایف دهیار	D2
۱۳	عدم آشنایی اعضای شورا با وظایف خود	D3
۱۴	تأخیر بنیاد مسکن در پرداخت بودجه طرح‌های	C3
۱۵	عدم همکاری اداره برق	B2
۱۶	عدم همکاری اداره آب و فاضلاب روستایی	B3
۱۷	عدم پاسخگویی به موقع سازمان‌های اجرایی به مکاتبات دهیار	B4
۱۸	به رسمیت نشناختن دهیار از سوی سازمان‌های اجرایی	E1
۱۹	عدم بیمه دهیار	B5
۲۰	عدم نظارت مستمر بخش‌داری بر فعالیت‌های دهیار	B6
۲۱	عدم معرفی رسمی دهیار به مردم توسط بخش‌داری	B7
۲۲	عدم همکاری مردم با دهیار	F1
۲۳	عدم توجه بنیاد مسکن به نظرات دهیار هنگام تهیه نقشه‌ی طرح‌های	C4
۲۴	آرامانی بودن نقشه‌ی طرح‌های و عدم توجه به واقعیت‌های اجتماعی روستا در آن	C5
۲۵	عدم همکاری اداره راه و ترابری	B8
۲۶	حجم زیاد وظایف دهیار	A8
۲۷	عدم پشتیبانی سازمان‌های ذیربط از دهیار	E2
۲۸	تنوع فامیلی و طایفه‌ای در روستا	G1
۲۹	اولویت دادن به فعالیت‌های عمرانی و طرح‌های	C6
۳۰	بدبینی مردم به دهیار	G2
۳۱	وابستگی مردم به دولت	F2
۳۲	عدم استقلال دهیار و اختیارات قانونی متناسب با وظایف او	E3
۳۳	عدم برگزاری کلاس‌های توجیهی برای اعضای شورا در زمینه‌ی وظایف دهیاران	D4
۳۴	عدم برگزاری کلاس‌های توجیهی برای مردم در زمینه‌ی وظایف دهیاران	D5
۳۵	عدم ارزشیابی فعالیت‌های دهیاران از سوی بخش‌داری	B9
۳۶	عدم همکاری اعضای شورا با دهیاران	B10

ادامه جدول ۱

ردیف	مفاهیم	کد
۳۷	عدم صدور کارت شناسایی برای دهیاران	B11
۳۸	عدم تخصیص بودجه بر مبنای فرم پیش‌بینی بودجه‌ی سالانه دهیاری	A9
۳۹	عدم توجه به نظرات مردم در تهیه نقشه طرح‌های	C7
۴۰	عدم پرداخت حقوق دهیار در صورت عدم درآمدزایی دهیاری	A10
۴۱	عدم پرداخت عیدی دهیار در صورت عدم درآمدزایی دهیاری	A11
۴۲	تلفی روستاییان از دهیار به عنوان عامل دولتی	G3
۴۳	طولانی بودن مدت زمان قانونی اصلاح نقشه طرح‌های (ده ساله)	C8
۴۴	دریافت وجه نقد در صورت تغییر نقشه‌ی طرح‌های قبل از مدت قانونی	C9
۴۵	طولانی بودن و دست و پاگیر بودن صدور مجوز ساخت و ساز در چارچوب طرح‌های	C10
۴۶	محدودیت دهیار در هزینه نمودن بودجه‌ی دهیاری (۴۰٪ بودجه جاری، ۶۰٪ بودجه عمرانی)	E4
۴۷	نیاز به مصوبه شورا در هزینه نمودن بودجه‌ی دهیاری	E5
۴۸	نادیده گرفتن هزینه‌های آب و زهاب در حقوق ماهانه‌ی دهیار	A12
۴۹	عدم امکان مکاتبه‌ی مستقیم دهیار با سایر سازمان‌ها (نیروی انتظامی و ...)	E6
۵۰	انتظار مردم از صدور رایگان مجوزهای ساختمانی و سایر خدمات دهیاری	D6
۵۱	نادیده گرفتن منابع معیشت روستا (مراغ) از سوی سایر سازمان‌ها در صدور مجوز بهره‌برداری از معادن سنگ و ماسه	C11
۵۲	عدم تخصیص بودجه جهت برگزاری کلاس‌های آموزشی از سوی دهیاران	A13
۵۳	قدرت اجرایی پایین دهیار	E7
۵۴	عدم تخصیص عوارض سایت گردشگری سراب نیلوفر، کارخانه‌ها و معادن موجود در دهستان به درآمدهای دهیاری	A14
۵۵	عدم توجه به تأثیر مهاجرت معکوس و ازدواج در تعیین حریم واحدهای مسکونی در طرح‌های	C12
۵۶	بدبینی اعضای شورا به دهیار	G4
۵۷	توجه صرف به آستانه جمعیتی در تخصیص بودجه دهیاری	A15
۵۸	محدود بودن درآمد دهیاری به تعرفه‌های صدور پروانه ساختمانی و اشتراک آب و برق	A16
۵۹	پایین بودن انگیزه مشارکت مردم به ویژه جوانان روستایی	F3
۶۰	ترجیح منافع فردی به منافع جمع در روستا	F4
۶۱	عدم پیگیری گزارش عملکرد ماهانه دهیاران	B12
۶۲	رابطه‌مداری در ضوابط اداری	E8
۶۳	عزل و ابقای دهیار توسط اعضای شورا	E9
۶۴	عدم توجه سایر سازمان‌ها به نظرات مردم در تدوین پروژه‌های روستایی	C13

مأخذ: مطالعات میدانی نگارندگان، ۱۳۹۰: ۷

نهایت، ۷ طبقه جامع و مانع از چالش‌های جامعه پژوهش تشکیل و هر یک متناسب با بار مفهومی نام‌گذاری گردید که به ترتیب اهمیت عبارتند از: عدم آگاهی مردم و سازمان‌های محلی از وظایف دهیار، نگرش منفی نسبت به وی، عدم همکاری و حمایت

در کدگذاری محوری طبقات^۱ تشکیل شده، توسعه داده شد، به طوری که با مقایسه‌ی داوم^۲ داده‌های کدگذاری شده با یکدیگر، زیر طبقه‌ها در قالب خوشه‌هایی متناسب با طبقات، سامان یافتند. در

- 1-Categories
- 2-Constant comparison

اساس رفت و برگشت‌های مداوم، تمامی مراحل پژوهش را با دیدی کل‌نگر مرور نمودند. این سیستم بازنگری در روش تئوری بنیانی به پژوهشگران امکان داد تا کاستی‌ها را برطرف نمایند. سرانجام، طبقه‌های استخراج شده، حول یک مفهوم محوری قرار گرفتند و مدل پژوهش شکل گرفت (نمودار ۱).

سازمان‌های محلی و دولتی با دهیار، تدوین طرح‌های از بالا به پایین از سوی سازمان‌های اجرایی، ضعف روحیه همکاری و مشارکت خودجوش در مردم، ضعف جایگاه قانونی دهیار و بالاخره کمبود تجهیزات و منابع مالی مورد نیاز دهیاری. محققان در مرحله پایانی یعنی کدگذاری انتخابی با مرور خط سیر داستانی^۱، تلفیق و توأم کردن طبقات و درک رابطه‌ی آن‌ها بر



نمودار ۱: چالش‌های فراروی مدیریت روستایی در دهستان بالادربند شهرستان کرمانشاه
مأخذ: مطالعات میدانی نگارندگان، ۱۳۹۰: ۹

وظایف دهیار، عدم آشنایی اعضای شورا با وظایف خود و دهیار و در نهایت، عدم برگزاری کلاس‌های توجیهی برای مردم و اعضای شورا ایجاد شده است. در تأیید این مسایل یکی از دهیاران عنوان نمود "چون کلاس‌های توجیهی از سوی بخشرداری برای مردم برگزار نشده، آن‌ها با وظایف ما آشنا نیستند؛ ما را مزاحم تلقی می‌کنند انتظارات نامعقولی از دهیاران دارند. برای مثال انتظار دارند مجوزهای رایگان برای آن‌ها صادر کنیم".

نتیجه

نتایج حاصل از این پژوهش حاکی از آن است، دهیاری‌های دهستان بالادربند شهرستان کرمانشاه با هفت مشکل عمده مواجه‌اند که بر اساس مدل مورد بحث قرار گرفته‌اند؛

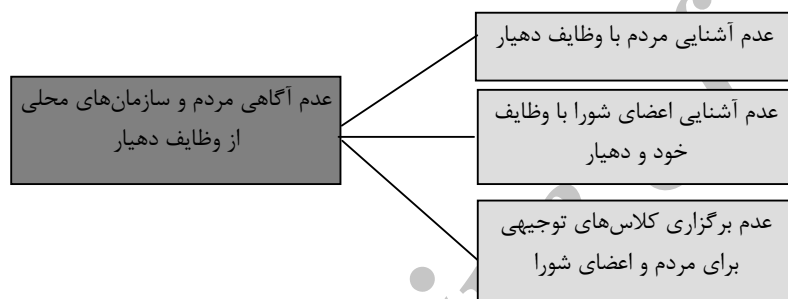
عدم آگاهی مردم و سازمان‌های محلی از وظایف دهیار

مهم‌ترین مشکل دهیاران دهستان بالادربند، عدم آگاهی مردم و سازمان‌های محلی از وظایف آن‌هاست. این معضل به دلایلی همچون عدم آشنایی مردم با

بروز مشکلات دیگر نظیر بدبینی و عدم اعتماد مردم به دهیاران و در نهایت، عدم همکاری آن‌ها گردد. دهیاران بر این عقیده بودند که آگاهی و اطلاعات کافی مردم و سازمان‌های محلی از وظایف دهیار از یک سو، موجب ایجاد توقع و انتظارات معقول در جامعه روستایی و از سوی دیگر، مشارکت و همکاری اعضای شورا، مردم و سایر سازمان‌های اجرایی خواهد شد.

رکن‌الدین افتخاری و همکاران (۱۳۸۶) نیز از مبهم بودن و عدم شفافیت جایگاه نهادهای محلی متولی مدیریت روستایی یاد کرده‌اند.

در خصوص عدم آشنایی اعضای شورا با وظایف خود و دهیاران نیز یکی دیگر از دهیاران بیان نمود: "اعضای شورا اکثراً بدون معیارهای مشخص انتخاب شده‌اند؛ عمدتاً بی‌سوادند و درخواست‌های غیرقانونی مردم را در خصوص ساخت و سازها با مهر شورا تأیید می‌کنند و باعث بدبینی مردم به دهیار می‌شوند. حتی با وظایف خود نیز آشنا نیستند و به خاطر ریش سفیدی و اعتلاف‌های قومی قبیله‌ای رأی آورده‌اند". از گفته‌های نمونه‌های مورد مطالعه چنین استنباط می‌شود که عدم آگاهی مردم و سازمان‌های محلی از وظایف دهیار نیز معضلی است که خود می‌تواند منشأ



نمودار ۲: عدم آگاهی مردم و سازمان‌های محلی از وظایف دهیار

مأخذ: مطالعات میدانی نگارندگان، ۱۳۹۰: ۱۰

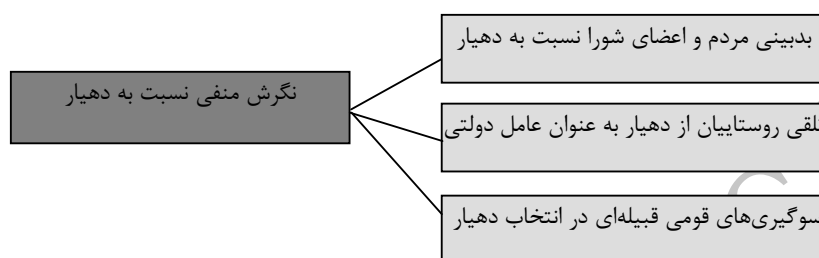
این مدعا دهیار دیگری عنوان نمود: "هنگامی که مردم برای مشکلات خود به ادارات مرتبط مراجعه می‌کنند، برای از سر باز کردن آن‌ها، می‌گویند وظیفه دهیار است و این امر موجب بدبینی مردم نسبت به دهیار می‌شود". به علاوه، روستاییان دهیار را عامل دولتی تلقی می‌کنند که در کنار دیدگاه منفی روستاییان نسبت به عاملان دولتی به علت سابقه کارهای نیمه تمام دولت در روستا، موجب شکل‌گیری نگرش منفی روستاییان نسبت به دهیار شده است. افزون بر محدودیت‌های مذکور، به علت اختلافات فAMILI انتخاب دهیار با سوگیری‌های قومی قبیله‌ای در روستا صورت می‌گیرد؛ به گونه‌ای که برخی خانواده‌ها در انتخابات اعضای شورا شرکت نمی‌کنند. بدیهی است این امر

نگرش منفی نسبت به دهیار

از دیگر محدودیت‌های دهیاران مورد مطالعه آن است که مردم و اعضای شورا نگرش منفی نسبت به دهیار دارند. با استناد به نمودار ۲، این مسأله حاصل مواردی نظیر بدبینی مردم و اعضای شورا نسبت به وی، تلقی روستاییان از دهیار به عنوان عامل دولتی و سوگیری‌های قومی قبیله‌ای در انتخاب اوست. دهیاران معتقد بودند، مردم و اعضای شورا به آن‌ها بدبین هستند، در این راستا یکی از دهیاران اظهار داشت: "اعضای شورا فکر می‌کنند تعرفه‌ها به جیب ما می‌رود، مردم نیز پرداخت تعرفه‌ها را نوعی جریمه می‌دانند". نحوه‌ی برخورد کارکنان سایر سازمان‌ها نیز در ایجاد بدبینی مردم نسبت به دهیار تأثیرگذار است. در تأیید

تئوری بنیانی است که به محقق امکان می‌دهد، در قالب یک فرایند سیستماتیک شامل کدگذاری باز، محوری و انتخابی به کشف یافته‌های جدید مبتنی بر زمینه‌ی مورد بررسی بپردازد.

موجب می‌شود دهیار منتخب اعضای شورا هر بار مورد تأیید تعدادی از خانوارها باشد نه همه‌ی روستا و این خود بسترساز نگرش منفی روستاییان به دهیار می‌شود. این یافته در ادبیات مربوط به چالش‌های پیش‌روی دهیاران مشاهده نشد و این یکی از نقاط قوت روش



نمودار ۳: نگرش منفی نسبت به دهیار

مأخذ: مطالعات میدانی نگارندگان، ۱۳۹۰: ۱۱

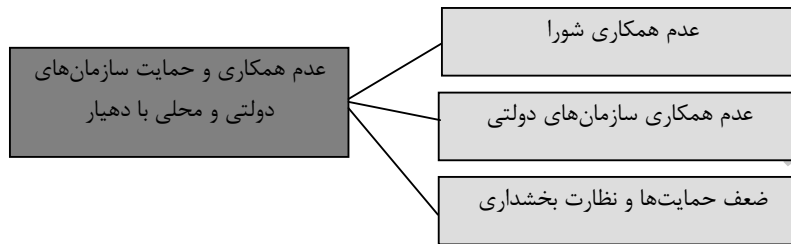
مردم ضمانت قانونی وظایف دهیار را درک نمی‌کنند و در نهایت، همکاری لازم را با وی به عمل نمی‌آورند. به علاوه، نظارت کافی بر فعالیت دهیاران وجود ندارد و گزارش عملکرد ماهانه دهیاری‌ها از سوی بخشدار پیگیری نمی‌شود تا بر مبنای آن عملکرد دهیاران ارزشیابی گردد. به لحاظ حمایت‌های لازم نظیر بیمه و صدور کارت شناسایی نیز دهیاران مشکلاتی دارند؛ به گفته یکی از دهیاران پاره وقت: "تنها دهیاران تمام وقت که عمدتاً در دهیاری‌های روستاهای حاشیه شهر مشغول خدمت، بیمه هستند، درحالی‌که آن‌ها تنها در ساعات اداری در ساختمان دهیاری حضور دارند، اما پاره‌وقت‌ها هر زمان که روستاییان کاری داشته باشند، در خدمت آن‌ها هستیم". این امر موجب شده که رضایت شغلی دهیاران به عنوان یکی از عوامل انگیزشی در انجام موفقیت‌آمیز وظایف آن‌ها محقق نشود. مهم‌تر از همه عدم همکاری شورا با دهیاران است؛ اعضای شورا به دلیل پایین بودن سطح سواد و بالا بودن سن و مهم‌تر از همه عدم آگاهی از وظایف و اختیارات قانونی دهیاران، آن‌ها را رقیب بی تجربه و نوپای خود تلقی نموده، همکاری لازم را با دهیاران

عدم همکاری و حمایت سازمان‌های دولتی و محلی با دهیار

بر اساس یافته‌ها، یکی دیگر از چالش‌های دهیاران دهستان بالادربند، عدم همکاری و حمایت سازمان‌های دولتی و محلی با آن‌هاست که مواردی نظیر عدم همکاری شورا و سازمان‌های دولتی در کنار ضعف حمایت‌ها و نظارت بخشداری به این مشکل دامن زده است. از آنجا که مردم به دهیار به عنوان نماینده و رابط مردم و دولت می‌نگرند، می‌بایست سازمان‌های دولتی حمایت لازم را از جایگاه قانونی وی به عمل آورند. این در حالی است که دهیاران مورد مطالعه اذعان داشتند چنین حمایتی وجود ندارد و سازمان‌های دولتی به موقع به مکاتبات دهیاران پاسخ نمی‌دهند. به گفته‌ی یکی از دهیاران "همکاری سایر سازمان‌ها مثل اداره برق، بنیاد مسکن و سایر ادارات حلقه نهایی به ثمر نشستن تلاش‌های ماست. در حالی که برای یک کار کوچک چند بار باید مراجعه کنیم؛ مردم فکر می‌کنند مقصر ماییم، اما نمی‌دانند که سازمان‌ها با ما همکاری نمی‌کنند". از طرفی، بخشداری رسماً دهیار را در روستا معرفی نمی‌کند، لذا،

نتایج این مطالعات نیز حاکی از آن است که عدم همکاری نیروهای بیرونی (سایر سازمان‌ها) و نیروهای درونی (مردم، شورا و دهیار) و نظارت اندک عوامل دولتی از جمله آسیب‌های مدیریت روستایی می‌باشد.

به عمل نمی‌آورند. این یافته در مطالعات رکن‌الدین افتخاری و همکاران (۱۳۸۶)، گلدمن (۲۰۰۲)، چوپچیان و همکاران (۱۳۸۶) و بروجردی (۱۳۸۷) نیز مورد تأکید قرار گرفته است.



نمودار ۴: عدم همکاری و حمایت سازمان‌های دولتی و محلی با دهیار

مأخذ: مطالعات میدانی نگارندگان، ۱۳۹۰: ۱۲

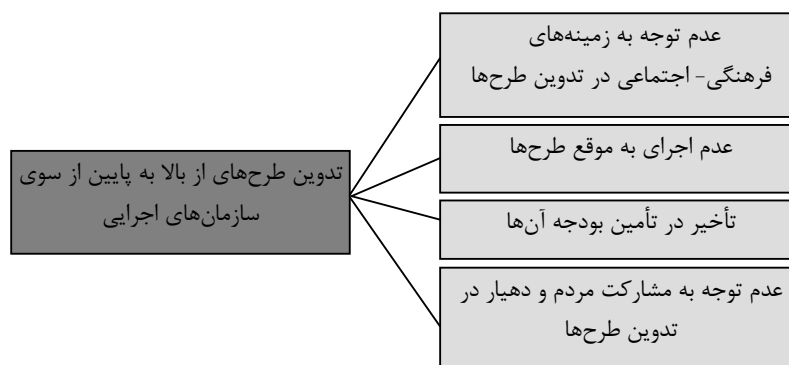
سیلاب‌ها به داخل چاه‌های فاضلاب، با کندن این چاه‌ها توسط اداره آب و فاضلاب جهت ساماندهی فاضلاب روستا مخالفت کردند، اما آن‌ها به نظر مردم توجه نکرده و پروژه مذکور اجرا شد. در حال حاضر، هنگام بارندگی فاضلاب منازل بالا می‌آید و مشکلات مردم دو چندان شده، مردم از دهیار انتظار دارند که آن را حل کند." در عین حال، به علت تأخیر در تأمین بودجه، بسیاری از طرح‌ها به موقع در روستا اجرا نمی‌شود. در تأیید این مدعا یکی از دهیاران عنوان نمود "نقشه‌ی طرح‌های تهیه می‌شود اما اجرای آن بسیار طولانی است و مردم ما را مقصر می‌دانند". بی‌توجهی به مهاجرت معکوس و ازدواج جوانان در نقشه‌ی طرح‌های دیگری از مشکلاتی است که موجب تشدید مهاجرت جوانان روستایی به شهر و کاهش روند مهاجرت معکوس به روستا شده است.

محققانی نظیر گلدمن (۲۰۰۲)، عبداللهیان و همکاران (۱۳۸۵) و مهاجری (۱۳۸۷) نیز برنامه‌ریزی از بالا به پایین و سیاست‌های تمرکزگرایانه‌ی دولت را از جمله محدودیت‌های ساختاری نهادهای محلی متولی مدیریت روستایی قلمداد نموده‌اند.

تدوین طرح‌های از بالا به پایین از سوی سازمان‌های اجرایی

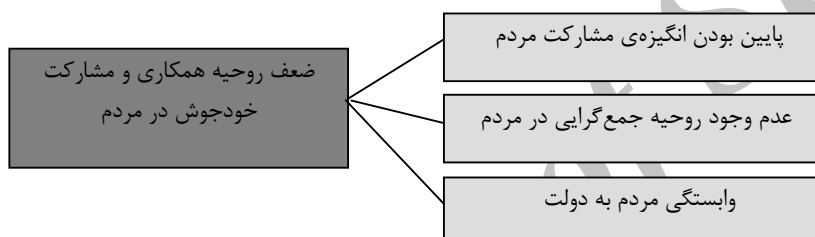
این معضل طبقه چهارم مشکلات و محدودیت‌های دهستان بالادربند محسوب می‌شود که زیرطبقه‌هایی نظیر عدم توجه به زمینه‌های فرهنگی-اجتماعی در تدوین طرح‌ها، عدم اجرای به موقع طرح‌ها، تأخیر در تأمین بودجه آن‌ها و عدم توجه به مشارکت مردم و دهیار در تدوین طرح‌ها را در برمی‌گیرد. بسیاری از دهیاران مورد مطالعه اذعان داشتند که در تدوین طرح‌ها و پروژه‌های روستایی، منابع معیشتی روستاییان نادیده گرفته می‌شود. برای مثال به گفته‌ی یکی از دهیاران "صدور مجوزهای بهره‌برداری از معادن شن و ماسه موجب تخریب مراتع روستا شده و به دنبال آن، دامپروری منطقه از رونق افتاده".

از طرفی، عملاً سیاست‌های دولت در راستای اجرای طرح‌های عمرانی به ویژه طرح‌های متمرکز است در حالی که وظایف دهیاران فراتر از آن است. به علاوه، هنگام تدوین طرح‌ها از سوی سازمان‌های اجرایی به نظرات مردم و دهیار توجه نمی‌شود. برای مثال یکی از دهیاران اظهار داشت: "مردم روستا به خاطر بارش باران‌های سیل‌آسا در منطقه و ورود



نمودار ۵: تدوین طرح‌های از بالا به پایین از سوی سازمان‌های اجرایی

مأخذ: مطالعات میدانی نگارندگان، ۱۳۹۰: ۱۳



نمودار ۶: ضعف روحیه همکاری و مشارکت خودجوش در مردم

مأخذ: مطالعات میدانی نگارندگان، ۱۳۹۰: ۱۳

روستا می‌دانند. این عوامل دست به دست هم داده و موجب شده روحیه‌ی همکاری و مشارکت خودجوش در مردم از روستا رخت بربندد. عدم وجود انگیزه‌ی مشارکت، وابستگی به دولت و ترجیح منافع آنی در مطالعات رکن‌الدین افتخاری و همکاران (۱۳۸۶)، محمدزاده‌لاریجانی و قربانی (۱۳۸۰)، مهدوی و نجفی‌کانی (۱۳۸۴)، حمیدیان و همکاران (۱۳۸۶) نیز مورد تأکید قرار گرفته است.

ضعف جایگاه قانونی دهیار

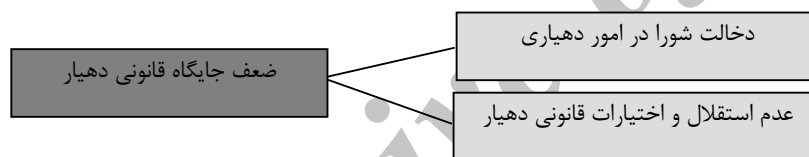
نمودار ۷ یکی دیگر از محدودیت‌های پیش روی دهیاران دهستان بالادربند یعنی ضعف جایگاه قانونی آنان را نشان می‌دهد که به‌دلایلی از قبیل دخالت شورا در امور دهیاری و عدم استقلال و اختیارات قانونی دهیار ایجاد شده است. دهیاران معتقد بودند نیاز به مصوبه‌ی شورا در هزینه نمودن بودجه‌ی دهیاری در

ضعف روحیه‌ی همکاری و مشارکت خودجوش در مردم

دهیاران دهستان بالادربند کرمانشاه با محدودیت عدم روحیه‌ی همکاری و مشارکت خودجوش مردم نیز مواجه هستند؛ چرا که انگیزه‌ی مشارکت مردم به ویژه جوانان بسیار پایین است. به بیان یکی از دهیاران "اکثر جوانان با خانواده پدرشان زندگی می‌کنند و بیکارند. چون روی اراضی پدرشان کار می‌کنند و از خود شغل مستقلی ندارند، منتظر فرصتی هستند که به شهرها مهاجرت کنند. در واقع علت عدم مشارکت آنان، نداشتن انگیزه‌ی ماندن در روستاست". از طرفی، روستاییان منافع فردی را به منافع جمع ترجیح می‌دهند و فاقد روحیه‌ی جمع‌گرایی هستند. به علاوه، بی‌توجهی دولت به مشارکت مردم موجب وابستگی روستاییان به خدمات دولتی شده به گونه‌ای که آن‌ها دهیار را نماینده‌ی دولت و مسؤول حل همه مشکلات

با سایر سازمان‌ها را ندارند و آن‌ها سمت دهیار را به رسمیت نمی‌شناسند؛ به گفته یکی از نمونه‌های مورد مطالعه: "ما چون از روستا به ادارات مراجعه می‌کنیم و از یک سازمان دولتی نیستیم، ما را به عنوان مدیر اجرایی روستا قبول ندارند و حتی برای یک کار کوچک مثلاً گزارش یک فردی که با او بر سر طرح هادی درگیر شده‌ایم، می‌بایست از سوی بخشداری با پاسگاه مکاتبه شود". ضعف جایگاه قانونی دهیار در مطالعات قدیری معصوم و ریاحی (۱۳۸۳)، رکن‌الدین افتخاری و همکاران (۱۳۸۶)، رضوانی (۱۳۸۸)، شهبازی (۱۳۸۹)، حمیدیان و همکاران (۱۳۸۶) و مهاجری (۱۳۸۷) به عنوان یکی از چالش‌های ساختاری مدیریت روستایی کشور مورد بحث قرار گرفته است.

کنار عدم همکاری اعضای شورا که در مقوله‌ی قبل به آن اشاره شد و نیز عزل و ابقای دهیار توسط اعضای شورا به دخالت شورا در امور دهیاری می‌انجامد. به بیان یکی از دهیاران: "ما برای انجام وظایف قانونی همواره از سوی اعضای شورا تهدید به عزل می‌شویم، اعضای شورا ما را در مقابل مردم قرار می‌دهند" از طرفی، عدم استقلال و اختیارات قانونی دهیاران مورد دیگری است که در این طبقه قرار گرفته است. در این خصوص یکی از دهیاران عنوان نمود: "درست است ما مدیر اجرایی روستا هستیم، اما شورا دست ما را بسته است؛ چون رابطه مداری بر روابط با سازمان‌ها نیز حاکم است، اگر تسلیم نشویم با یک اشاره از سوی صاحبان نفوذ، اعضای شورا ما را عزل می‌کنند". به علاوه دهیاران اذعان داشتند که امکان مکاتبه مستقیم



نمودار ۷: ضعف جایگاه قانونی دهیار

مأخذ: مطالعات میدانی نگارندگان، ۱۳۹۰: ۱۵

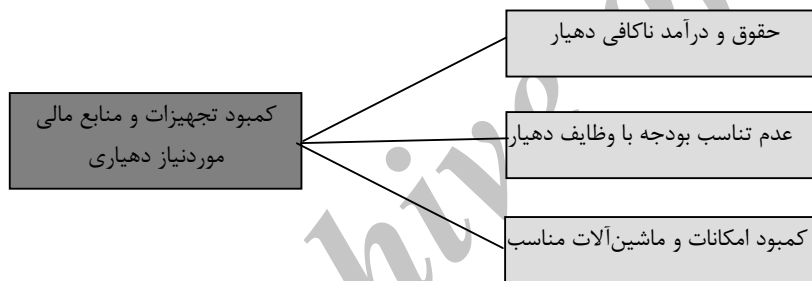
مطالبات آن‌ها در این چهار سال از سوی بخشداری پرداخت نشده است. یکی از دهیاران در این رابطه بیان داشت: "ما فرصت اشتغال در سایر مشاغل را از دست دادیم و به شغل دهیاری امید بستیم، اما با این حقوق ناچیز هزینه‌ی ایاب و ذهاب ما در پیگیری امور روستا هم تأمین نمی‌شود". پایین بودن حقوق دهیاران موجب شده، دهیار بودن شغل دوم تلقی گردد و دهیاران برای تأمین هزینه‌های زندگی خود به مشاغل دیگر (نظیر رانندگی) روی آورند. عوارض سایت گردشگری و کارخانه‌ها و معادن موجود در دهستان نیز به درآمدهای دهیاری اختصاص نمی‌یابد و به بیان یکی دیگر از دهیاران: "تنها آلودگی هوا و ترافیک ناشی از تردد ماشین‌آلات سنگین معادن و تخریب مراتع و کاهش

کمبود تجهیزات و منابع مالی مورد نیاز دهیاری

وظایف دهیاری گستره وسیعی را شامل می‌شود که انجام آن‌ها نیازمند امکانات، تجهیزات و بودجه کافی می‌باشد (اکبری، ۱۳۸۲: ۶). این در حالی است که دهیاران مورد مطالعه اذعان داشتند نه تنها این امکانات وجود ندارد، بلکه امکانات موجود نیز بر مبنای شرایط جغرافیایی و نیاز روستاها توزیع نشده است. برای مثال، یکی از دهیاران بیان نمود کاش به جای کمپرسی یک تراکتور و تریلر می‌دادند تا بتوانم حداقل زباله‌های روستا را جمع‌آوری کنم". در عین حال، دهیاران از حقوق و درآمد ناکافی می‌نالیدند؛ آن‌ها اذعان داشتند که بسیاری از دهیاری‌ها از سال ۸۲ تأسیس شده، اما حقوق دهیاران از سال ۸۶ پرداخت شده است و

تکمیل می‌کنند، فقط یک تشریفات اداری است و هیچ‌گونه ترتیب اثری بر اساس آن داده نمی‌شود. کمبود تجهیزات و منابع مالی مورد نیاز دهیاری‌ها در پژوهش‌های گلدمن (۲۰۰۲)، محمدزاده لاریجانی و قربانی (۱۳۸۰)، دربان آستانه (۱۳۸۹)، بروجردی (۱۳۸۷)، فراقی (۱۳۸۹)، مهدوی و نجفی‌کانی (۱۳۸۴)، قدیری معصوم و ریاحی (۱۳۸۳) و عبداللهیان و همکاران (۱۳۸۵) مورد تأیید قرار گرفته است. در این مطالعات، از فقدان ماشین‌آلات و تجهیزات فنی، محدودیت سرانه اعتباری، کمبود بودجه و حقوق پایین به عنوان یکی از مشکلات نهادهای محلی اشاره شده است.

رونق دامپروری منطقه برای ما باقی می‌ماند". دهیاران مورد مطالعه اذعان داشتند، عدم تناسب بودجه با وظایف زیاد آنان نیز از دیگر معضلات پیش روی دهیاری‌هاست. به بیان دهیاران، بودجه‌ی پرداختی در فصل زمستان پرداخت می‌شود که عملاً انجام پروژه‌های عمرانی امکان‌پذیر نیست. طبق اظهارات یکی دیگر از دهیاران "بودجه خیلی مهم است، چون مشکلات روستاها فراوان و متنوع است. مردم از دهیار توقع دارند، سازمان‌های اجرایی نیز از آن‌ها انتظاراتی دارند؛ این وسط اگر بودجه کافی نباشد واقعاً دست ما به عنوان مدیران اجرایی روستا بسته است". از طرفی، فرم‌های پیشنهادی بودجه که دهیاران در پایان سال



نمودار ۸: کمبود تجهیزات و منابع مالی مورد نیاز دهیاری

مأخذ: مطالعات میدانی نگارندگان، ۱۳۹۰: ۱۶

اعضای شورا برگزار گردد. گفتنی است برگزاری این کلاس‌ها موجب تسهیل مشارکت مردم و اعضای شورا، به عنوان یکی از الزامات مدیریت روستایی کارآمد، خواهد شد.

- از آنجا که نظارت و تعیین میزان تحقق اهداف از مهم‌ترین برنامه‌ریزی و اجرا شمرده می‌شود (رضوانی، ۱۳۸۸: ۶۶)، ضروری است به منظور رفع مشکل عدم همکاری و حمایت سازمان‌های محلی و دولتی با دهیار، بخشداری بر حمایت و نظارت خود از دهیاری‌های دهستان بالادربند توجه ویژه مبذول دارد. به علاوه، از طریق توجه اعضای شورا و تبیین جایگاه دهیاری و شورا، زمینه‌ی همکاری اعضای شورا با دهیار را فراهم

پیشنهادها

تردیدی نیست که توسعه‌ی نهادهای محلی از مهم‌ترین الزامات تحقق توسعه‌ی پایدار روستایی به شمار می‌رود. از این‌رو، بر اساس یافته‌های این پژوهش پیشنهادهای ذیل برای برون رفت از وضعیت کنونی و غلبه بر چالش‌های پیش روی دهیاری‌های دهستان بالادربند شهرستان کرمانشاه، قابل تأمل خواهد بود:

- به منظور رفع معضل عدم آگاهی مردم و سازمان‌های محلی از وظایف دهیار که بر اساس یافته‌های تحقیق، مهم‌ترین مشکل فراروی دهیاران مورد مطالعه محسوب می‌شود، پیشنهاد می‌گردد از سوی بخشداری کلاس‌های توجیهی در زمینه‌ی تشریح وظایف دهیار برای مردم و

به عنوان مدیران اجرایی روستاها، نقشی درخور تأمل دارد.

- با توجه به ابعاد توسعه‌ی پایدار روستایی و نقش محوری انسان در این فرایند، مشارکت و همکاری مردم با دهیار عاملی تعیین‌کننده خواهد بود و تحقق مدیریت پایدار روستایی در گرو تعامل و همکاری کنش‌گران اصلی و کلیدی مدیریت روستایی است. از این‌رو، در طراحی پروژه‌های روستایی توجه به مشارکت مردم یک اصل اجتناب‌ناپذیر خواهد بود؛ مشارکتی که موجب کاهش وابستگی دولت شده و به معنای واقعی خود که همانا بهره‌گیری از مشارکت مردم در تصمیم‌گیری، طراحی و اجرای برنامه‌های توسعه روستایی است، نهادینه خواهد شد. مردم تنها در یک صورت با دهیاران همکاری خواهند کرد و آن مشاهده‌ی نتیجه و آثار مشارکت است و در چنین شرایطی، روحیه‌ی همکاری و مشارکت مستمر در مردم ایجاد می‌گردد.

- اتخاذ روش‌های صحیح تأمین اعتبار دائمی برای دهیاری‌ها به همراه تصویب قوانینی در جهت تقویت ضمانت اجرایی برنامه‌های آن، ضرورتی حیاتی است. با توجه به تعدد سازمان‌های متولی و عدم ارتباط منطقی و فراگیر میان آن‌ها در سطح کشور، می‌توان مشکل کمبود تجهیزات و منابع مالی مورد نیاز دهیاری‌ها را در قالب تأسیس سازمان توسعه روستایی مرتفع نمود. بدین ترتیب، مدیریت روستایی به صورت یکپارچه در اختیار این سازمان قرار گرفته و مشکل کمبود بودجه و تجهیزات دهیاری‌ها و پیامدهای منفی ناشی از آن برطرف خواهد شد. به علاوه، از آن‌جا که منابع اعتباری موجود برای کمک به دهیاری‌ها در مقابل نیازهای رو به رشد دهیاری‌های مورد مطالعه کافی نیست، استفاده‌ی مشترک از نیروی انسانی متخصص و تجهیزات فنی و ماشین‌آلات برای تأمین نیازهای این نهاد بسیار ضروری است. از این رو، پیشنهاد می‌شود با همکاری

نماید. همچنین بخشداری نیز با صدور کارت شناسایی دهیاران می‌تواند شخصیت قانونی این مدیران را برای سایر سازمان‌ها نهادینه‌نماید و بسترهای اولیه‌ی تثبیت جایگاه قانونی دهیار و جلب همکاری سایر سازمان‌ها با وی را ایجاد نماید.

- شوراهای اسلامی روستایی فاقد تشکیلاتی مشخص و مدوّن هستند و بدون بودجه‌ی مستقل و مشخص، کار آبی چندانی در انجام امور روستا ندارند (قدیری معصوم و ریاحی، ۱۳۸۳: ۱۸۷). این در حالی است که دهیاری‌ها زیر نظر شوراهای اسلامی با مشکلات مذکور فعالیت می‌کنند. به منظور ارتقاء و تثبیت جایگاه قانونی دهیار پیشنهاد می‌شود نهاد دهیاری مستقیماً زیر نظر بخشداری فعالیت نماید. در نتیجه، میزان دخالت اعضای شورا در امور دهیاری بر اساس سوگیری‌های قومی قبیله‌ای کاهش یافته و زمینه‌ی استقلال نهاد اجرایی دهیاری فراهم می‌آید. بدیهی است، چنانچه با دیدی سیستمی به این محدودیت بنگریم، به این نتیجه خواهیم رسید که در شرایط کنونی، رفع مشکلات دهیاری تا حد قابل توجهی در گرو رفع مشکلات شوراهاست.

- بر اساس یافته‌ها، یکی از محدودیت‌های فراروی دهیاری‌های مورد مطالعه، نگرش منفی نسبت به دهیار است. در این راستا پیشنهاد می‌شود بخشداری با کمک دفتر امور روستایی استانداری کرمانشاه برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی ویژه‌ای در خصوص معرفی فعالیت‌های دهیاران و نیز انتخاب دهیار نمونه تدارک ببیند تا از این طریق، اعتماد مردم به دهیار افزایش یابد و مردم او را از خود بدانند نه عامل دولتی. البته بخش اعظم موفقیت دهیار در گرو همکاری سایر سازمان‌ها می‌باشد. همکاری سایر سازمان‌ها نیز به عنوان حلقه‌ی بیرونی زنجیره‌ی ارتباطات عاملین مدیریت روستایی و تکمیل‌کننده‌ی تلاش‌های دهیاران

- پاپزن، عبدالحمید؛ امیرحسین علی بیگی (۱۳۸۵). تحلیل انتظارات روستاییان شهرستان کرمانشاه از شوراهای اسلامی روستا. فصلنامه روستا و توسعه، سال ۹، شماره ۴.
- چوپچیان، شهلا؛ خلیل کلانتری؛ حسین شعبانعلی فمی (۱۳۸۶). عوامل مؤثر بر عملکرد دهیاری‌های استان گیلان، فصلنامه روستا توسعه، سال ۱۰، شماره ۲.
- حمیدیان، علیرضا؛ جعفر جوان؛ مجید یاسوری (۱۳۸۶). شوراهای روستایی در بوته خرده فرهنگ دهقانی راجرز، نمونه: شهرستان سبزوار. فصلنامه جغرافیا و توسعه، سال ۵، شماره ۹.
- دربان آستانه، علیرضا (۱۳۸۹). سنجش سطح حکمروایی روستایی و عوامل مؤثر بر آن در حکومت‌های محلی شهرستان قزوین، طرح پژوهشی سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور.
- دفتر امور روستایی استانداری کرمانشاه (۱۳۸۹). آمار دهیاری‌های دهستان بالادربند شهرستان کرمانشاه.
- رضوانی، محمدرضا (۱۳۸۸). مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران، چاپ سوم، نشر قومس.
- رکن‌الدین افخاری، عبدالرضا؛ حمداله سجاسی قیداری؛ جمشید عینالی (۱۳۸۶). نگرشی نو به مدیریت روستایی با تأکید بر نهادهای تأثیرگذار، فصلنامه روستا توسعه، سال ۱۰، شماره ۲.
- سالنامه آماری استان کرمانشاه، ۱۳۸۷.
- شهبازی، اسماعیل (۱۳۸۹). درآمدی بر آسیب‌شناسی توسعه روستایی، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- عبداللهیان، حمید؛ شیما شریعتی؛ الهام شوشتری (۱۳۸۵). اندازه‌گیری عملکرد مدیریت روستایی در ایران بر اساس عوامل تأثیرگذار بر فرایند مدیریت در روستاهای ایران، فصلنامه مدرس علوم انسانی. ویژه‌نامه مدیریت.

بخشداری و اداره‌ی کل تعاون استان، تعاونی دهیاری‌ها در سطح دهستان بالادربند تأسیس گردد و تخصیص بودجه و امکانات بر اساس مطالعات جامع نیازسنجی صورت گیرد. لازم به ذکر است با استناد به آمار موجود از سوی معاون امور دهیاری‌های سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، از سال ۱۳۸۶ تاکنون، تعداد ۷۰۰ تعاونی دهیاری در کشور ثبت و راه‌اندازی شده است (فراقی، ۱۳۸۹: ۱۲).

- تحلیل انتظارات روستاییان از دهیاری‌های دهستان بالادربند و در سطحی گسترده‌تر، استان کرمانشاه، پیشنهاد این مطالعه برای پژوهش‌های آتی می‌باشد؛ تا سیاست‌گذاران و متولیان مدیریت روستایی به‌ویژه استانداری بر اساس نتایج آن بتوانند زمینه را برای برآورده کردن انتظارات روستاییان در چارچوب قانونی وظایف دهیاران فراهم آورند و در نهایت مشارکت واقعی روستاییان در فراگرد مدیریت روستایی که همانا حلقه گم شده نظام مدیریت نوین روستایی کشور است، محقق گردد.

منابع

- ادیب‌حاج‌باقری، محسن؛ سرور پرویزی؛ مهوش صلصالی (۱۳۸۹). روش‌های تحقیق کیفی، انتشارات بشری. چاپ دوم.
- ازکیا، مصطفی؛ عادل زارع؛ علی ایمانی (۱۳۸۷). رهیافت‌ها و روش‌های تحقیق کیفی در توسعه روستایی. چاپ اول. نشر نی.
- اکبری، غضنفر (۱۳۸۲). دهیاری‌ها و مدیریت روستایی. مجله‌ی دهیاری‌ها، شماره اول.
- بروجردی، اشرف (۱۳۸۷). بررسی فرصت‌ها، آسیب‌ها، چالش‌ها و راه‌های توانمندسازی شوراهای اسلامی شهر و روستا. گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام. پژوهش‌نامه شماره ۳۰.

- فراقی، منوچهر (۱۳۸۹). تعاونی دهیاری‌ها، راهکار مناسبی برای هم‌افزایی توان دهیاری‌ها، مجله جوانان روستا، شماره ۱۷۲.
- قدیری معصوم، مجتبی؛ وحید ریاحی (۱۳۸۳). بررسی محورها و چالش‌های مدیریت روستایی در ایران، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی. سال ۳۶، شماره ۵۰.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۶). روش‌های تحقیق جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبور. نشر نی.
- مجله جوانان روستا (۱۳۸۹). سال ۱۴، شماره ۱۷۲.
- محمدزاده لاریجانی، فاطمه؛ سحر قربانی (۱۳۸۰). بررسی چالش‌های ساختاری مدیریت روستایی ایران، فصلنامه انسان و فضای جغرافیایی. شماره ۳.
- مهاجری، اصغر (۱۳۸۷). بررسی جامعه‌شناختی موانع ساختاری و کنشی شوراهای اسلامی در ایران، گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام. پژوهش‌نامه شماره ۳۰.
- مهدوی، مسعود؛ علی‌اکبر نجفی‌کانی (۱۳۸۴). دهیاری‌ها، تجربه‌ای دیگر در مدیریت روستاهای ایران نمونه موردی: دهیاری‌های استان آذربایجان غربی، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی. سال ۳۷، شماره ۵۳.
- Goldman, I (2002). Local governance for rural development: A case study from South and East Africa, Policies and approaches for rural poverty reduction.

Archive of SID